- درس و تمرین درس ۲۰ -

- حال -

۵. با راهنمایی استاد، این حدیث را ترجمه کنید و «۲ جمله حالیه» آن را بیابید.

- نکته: در درس حال مطرح شد که وقتی حال از نوع جمله است قبل آن اسم معرفه‌ای وجود دارد، اما گاهی معلن است جار و مجرورها و ظرف‌ها بین آنها فاصله بیاندازند زیرا جار و مجرورها و ظروف خوش‌شین هستند.

واو حالیه

- وَهُمْ أَبْنَاءُ: حال / جمله اسمیه / محلاً منصوب

- أَوْلَادَ: صاحب حال

- أَوْلَادَكُمْ: أولاد معرفه به اضافه است / کُم مضاف الیه

- بِالصَّلَاةِ: جار و مجروری هست که بین حال و صاحب حال فاصله انداخته.

- وَهُم أَبْنَاءُ : حال / جمله اسمیه / محلاً منصوب /

- اِضرِبُوهُم : هُم : صاحب حال است .

- عَلَیها : جار و مجرور است که بین حال و صاحب حال فاصله انداخته است .

- حال ها در این موارد از جهت معنا و مطابقت در جنس و عدد با صاحب حال ، به صاحب حال مناسب برمی گردند .

معنا : فرزندانتان را در هفت سالگی به نماز امر کنید و چون ده ساله شدند ، به خاطر کوتاهی در نماز تنبیهشان نمایید و رخت خوابشان را از هم جدا کنید .

ب / در جمله‌های زیر «حال» و «ذوالحال» و «نوع حال» را مشخص کنید.

- لِيَعْبُدُوا : واو ⇐ صاحب حال . / جمع مذکر /
- مُخْلِصِينَ ⇐ حال / مفرد مشتق / اسم فاعل / جمع مذکر سالم / منصوب به یاء / حال اوّل /
- حُنَفَاءَ : حال دوّم / مفرد مشتق / صفت مشبهه / جمع مکسر / منصوب به فتحه /
- نکته ⇐ وقتی بخواهیم جمع‌های مکسر را از جهت جامد یا مشتق بودن بررسی کنیم، باید به مفرد آن رجوع کنیم.
- مفرد حُنَفَاءَ ← حَنِيف / اِیتا بِرِست / ⇐ صفت مشبهه
← مشتق

- نکته: اسماء غیر منصرف، تنوین نمی پذیرند و به جای کسره هم فتحه قبول می کنند، به همین علت حُنَفاءَ با اینکه الف و لام نگرفته است، تنوین هم نگرفته است، زیرا غیر منصرف است.

۲. إبراهیمَ: صاحب حال / مجرور ← مضاف الیه

- نکته: إبراهیم هم از اسماء غیر منصرف است به همین علت با وجود اینکه مضاف الیه است به جای کسره، فتحه گرفته است.

- حُنَفاءَ: حال / مفرد مُشتق / صفت مُشبّهة / منصوب به فتحه /

۴. مَوْمِنٍ ⇐ ـٍ / صاحب حال /

- فِي زِينَتِهِ ⇐ حال / شبه جمله / جار و مجرور /

محلًا منصوب /

- نکته ⇐ ما می‌توانیم هو مستتر داخل فعل خَرَجَ هم به عنوان صاحب حال بگیریم، امّا بهتره حال و صاحب حال تردیک به هم باشند، به همین علت بهتر است ـٍ در مَوْمِنٍ را به عنوان صاحب حال بگیریم.

۳. سُيِّئَ ⇐ صاحب حال /

- نکته ⇐ مگر ما نگفتیم که صاحب حال باید معرفه باشد؟!

- موارد خیلی در نحو عالی داریم که صاحب حال می‌توانم نکره باشد که این جزء آن موارد است.

- وهو خيرٌ لكم : حال | جمله اسميه | محلاً منصوب |

۵. النّاس : صاحب حال |

- يدخلون : حال | جمله فعليه | محلاً منصوب |

حال اوّل |

- أفواجاً : حال دوّم | مفرد جامد | جمع مکسر |

منصوب به فتحه |

- أفواجاً ← مفرد آن فوج ← جامد . (تأويل به مشتق)

- نکته : ما مطرح کردیم که حال غالباً مشتق است، امّا ما حال جامد هم داریم، که این حال جامد تقسیم می‌شود به حال جامدی که تأویل به مشتق می‌رود، از جهت معنایی، یا حال جامدی که تأویل به مشتق نمی‌رود، أفواجاً

مفرد آن که جامد است، از موارد سماعی است که تأویل به مُشتق می‌رود.

۶. المُعَلِّمُ: صاحب حال /

- راضِیاً: حال / مفرد مُشتق / اسم فاعل / منصوب به فتحه /

۷. هِیَ: مستتر در فعل خَرَّتْ: صاحب حال /

که مستتر به وجوه برمی‌گردد.

- ساجِدَةً: حال / مفرد مُشتق / اسم فاعل / منصوب به فتحه /

- هِیَ: مستتر در فعل نَطَقَتْ: صاحب حال /

که مستتر به أَلْسُن برمی‌گردد.

- صَادِقَةً : حال / مفرد مشتق / اسم فاعل / منصوب به فتحه /

- مَادِحَةً : حال / مفرد مشتق / اسم فاعل / منصوب به فتحه /

- هِيَ مستتر در نَطَقَتْ : صاحب حال / مَادِحَةً نیز هست چون این جملات به هم مربوط هستند ، واو بین بَتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً و بِشُكْرِكَ مَادِحَةً ← واو حالیه است که به هم مرتبط هستند .

- هِيَ مستتر در اِعْتَرَفَتْ : صاحب حال / هِيَ مستتر به قُلُوب برمی گردد

- مُحَقِّقَةً : حال / مفرد مشتق / اسم فاعل / منصوب به فتحه /

۸. فَأَعْطَيْتُهُ ؛ ـُهُ در فَأَعْطَيْتُهُ صاحب حال است.

- وَهُوَ يَسْتَحِقُّ الْمَنْعَ ؛ حال / جمله اسمیه /
محلاً منصوب /

- وَهُوَ يَسْتَوْجِبُ الْحِرْمَانَ ؛ حال / جمله اسمیه /
محلاً منصوب /

- عَلَيْهِ ؛ ـِهِ در عَلَيْهِ صاحب حال است.

ج / ؛ ترکیب کنید.

۹

- اِنْفِرُوا ؛ فعل امر / مبنی بر حذف نون / فاعل ضمیر بارز واو / فاعل محلاً مرفوع / صاحب حال واو /

- خِفَافًا ؛ حال / جمع مکسر ← مفرد آن، خَفِیف /

صفت مُشبهه / مفرد مُشتق / منصوب به فتحه /

- و : حرف عطف .

- ثِقالًا : عطف به خِفافاً / جمع مکسر / مفرد آن ثَقال یا ثَقیل /

۲. رَأَیْتُ : فعل ماضی / مبنی بر سکون / فاعل ضمیر جاز تُ / فاعل محلًا مرفوع /

- المُعَلِّمینَ : مفعول / منصوب به یاء / صاحب حال /

- مُستَبشِرینَ : حال / مفرد مُشتق / اسم فاعل / جمع مذکر سالم / منصوب به یاء /

۳. إنَّ + نا : إنَّ حروف مُشبهة بالفعل /

نا اسم إنَّ / محلًا منصوب / ضمیر /

- أَرْسَلْنَاكَ : خبر إنَّ / محلًا مرفوع /

- أَرْسَلْنَا : فعل + فاعل / فعل ماضي / مبني بر سكون / فاعل ضمير جاز نا / محلًا مرفوع /

- كَ : مفعول به / محلًا منصوب / صاحب حال /

- شَاهِدًا : حال / مفرد مشتق / اسم فاعل / منصوب به فتحه /

- وَ : حرف عطف .

- مُبَشِّرًا : عطف به شَاهِدًا / منصوب به فتحه /

- وَ : حرف عطف .

- نَذِيرًا : عطف به شَاهِدًا / منصوب به فتحه /